

تحلیل جایگاه حق اعتراض در قانون و رویه ی قضایی جمهوری اسلامی ایران

حسین واحدی گشنیانی^۱

چکیده

یکی از مهمترین ضرورت های هر نظام سیاسی، امنیت آن است. در سایه امنیت است که یک کشور می تواند در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و... رشد کند. حتی در رویکرد های حداقلی به دولت ها (دولت ژاندارم) نیز تامین امنیت از وظایف اساسی آن ها قلمداد می شود. حق بر امنیت فردی و اجتماعی به ترتیب در مواد ۳ و ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان سندی که مورد تصویب اکثریت مطلق کشورهای جهان قرار گرفته است، مورد توجه واقع شده است. این واژه از پرکاربردترین تعابیر در مباحث حقوق کیفری است و بسیاری از رفتارها به علت ایراد خدشه و خلل به امنیت جرم انگاری می گردند و پس از جرم انگاری نیز قضات دادگاه ها، رفتار متهمین را از آنجایی که مصداقی از آسیب به امنیت می دانند، مطابق با مواد قانونی مربوط دانسته و به مجازات محکوم می نمایند. یکی از مهمترین اقدامات دولت ها جهت حفظ امنیت و پیشگیری از برهم زدن آن، جرم انگاری فعالیت هایی است که سبب اخلال در امنیت کشور می شود که در نظام حقوقی ما با عنوان "جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی" شناخته می شوند. از طرفی حق اعتراض در اسناد بین المللی و همچنین اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قوانین عادی برای آحاد مردم به رسمیت شناخته شده است. مواد ۱۸ تا ۲۱ اعلامیه حقوق بشر به آزادی های سیاسی، عمومی و روانی از جمله آزادی اندیشه، نظر، دین، وجدان، حرف و آزادی انجمن پرداخته است. در ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: (هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد). همچنین در ماده ۲۱ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته شده و اصل را بر منع ایجاد هر گونه محدودیتی در این زمینه بنا نهاده است. در واقع پس از عبور از دوران حکومت های استبدادی و موروثی و رسیدن به حکومت های جمهوری و دموکراسی و مداخله ی مستقیم و موثر مردم در تصمیمات حاکمیتی، حق بر اعتراض و شکل گیری تجمعات اعتراضی بیش از پیش نمود یافت. در تاریخ، اعتراضات مردمی و راهپیمایی های اعتراضی مقارن است با دوران حاکمیت مردم. در تاریخ کشور ما هم طلیعه ی اعتراضات پررنگ مردمی، از نهضت مشروطه که اوایل شکل گیری مجلس مشروطه و موج جمهوری خواهی است، می باشد. با توجه به این مطلب و از آنجایی که حاکمان اصولاً بی عیب و خطا نیستند، می توان گفت اعتراض مردمی از اقتضائات و جزء جدایی ناپذیر نظامات جمهوری و دموکراسی است. پیش بینی اعتراضات مردمی در قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف نیز موید این مطلب است.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

از طرفی دیگر در بسیاری از موارد و به خصوص در نظامات حقوقی امنیت مدار و ریسک مدار یکی از مواردی که می تواند به عنوان عامل بر هم زنده ی امنیت انگاشته شود، اعتراضات مردمی به طور میدانی است که به علل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی رخ می دهد. بدون شک مفهوم امنیت از جمله مفاهیم مبهم و تفسیر پذیر نظام حقوقی ماست و در صورتی که تعریف مشخص و دقیقی از آن ارائه نگردد، می تواند سبب ایجاد تبعیض در رویه ی دادگاه ها گردد؛ بالاتر از این در صورتی که مفهوم امنیت با همه ابعاد آن شناخته نشود ممکن است توجه دادرسان صرفاً به بُعد خاصی از امنیت معطوف گردد و سبب نادیده گرفتن سایر ابعاد مهم امنیت از جمله امنیت روانی، اجتماعی و سیاسی شود و مانع از شکل گرفتن اعتراضات قانونی گردد؛ امری که منجر به ایجاد شکاف و فاصله عمیق و نامطلوب میان مردم و یک نظام سیاسی می گردد. در کشور ما پس از شکل گیری انقلاب مردمی در سال ۱۳۵۷ که خود نمونه ی بسیار بارزی از اعتراض جدی مردم به حاکمیت و نوع سلوک و سیاست هایش بود، شاهد اعتراضات مختلف مردمی به علل و انگیزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستیم. امری که به خصوص در سال های اخیر بیش از گذشته با آن مواجهیم و این، نشانگر اهمیت توجه به این مقوله است. اعتراضات معروف به کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸، اعتراضات سال ۱۳۸۸ به نتیجه ی انتخابات ریاست جمهوری، اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مربوط به گرانی بنزین، اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در سال ۱۴۰۰، اعتراضات در سال ۱۴۰۱ به گشت ارشاد نمونه هایی از این اعتراضات است. نگارندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابتدای این قانون، طلیعه ی نهضت و انقلاب اسلامی را "اعتراض" درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی انقلاب سفید می دانند و اصولاً این واژه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بار معنایی مثبت بکار برده شده است. حق اعتراض در قوانین عادی نیز به رسمیت شناخته شده است. اما در بسیاری از موارد، اعتراض به عنوان عامل برهم زنده امنیت کشور تلقی و محکوم می گردد. دوگانه ای که گاهی اوقات با تفسیر به نفع متهم و گاهی اوقات با تفسیر به نفع مصلحت و امنیت کشور حل می گردد. باید مرز مشخص و دقیقی برای تمییز این دو گونه مواجهه، ترسیم کرد. سوالی که در این بین وجود می آید آنست که چه راهکار هایی جهت در امان ماندن معترضان از برچسب مجرمیت و داشتن قصد مقابله با نظام و بر هم زدن امنیت وجود دارد. چند راهکار در جهت رفع این مسئله وجود دارد. از جمله ایجاد شفافیت در متون قانونی، تغییر در صلاحیت های دادگاه های رسیدگی کننده به این جرایم، حذف معیارهای ذهنی و... محقق با هدفی بینابین (کاربردی-بنیادین) داده های تحقیق را به طور توصیفی-تحلیلی جمع آوری کرده و به روش کیفی آنها را تحلیل می نماید. مقاله حاضر به ترتیب در سه بخش اصلی حق اعتراض در آیین قانون جمهوری اسلامی ایران، چالش ها و راهکار ها تنظیم شده است.

واژگان اصلی: اعتراض، اغتشاش، نظم، امنیت، مسالمت آمیز.

مقدمه

امروزه یکی از چالش های مهم در نظامات سیاسی، اعتراضات مردمی در سراسر دنیا علیه تصمیمات حکومت ها یا وجود فساد ها و کج روی ها و یا به طور کلی هر امر نامطلوب ملت ها می باشد. (الکس ویتال: ۱۳۹۱، ص ۱۲۳) وجود این اعتراضات نشانگر حیات سیاسی و اجتماعی یک جامعه است و اگر با این اعتراضات درون ساختاری به طور مطلق برخورد شود می تواند منجر به دوقطبی خطرناکی میان آحاد جامعه گردد؛ دوقطبی وفاداری بی چون و چرا و ساختار شکنی بی محابا. اما از طرف دیگر یکی از وظایف مهم هر حکومتی، حفظ نظم و امنیت و برخورد با عوامل برهم زننده آن است.

رعایت اعتدال میان احترام به حق اعتراض انسان ها و حفظ نظم و امنیت یکی از پرچالش ترین مسائل هر حکومتی است در بسیاری از موارد حکومت ها جهت پیشگیری از به وجود آمدن این اعتراضات، سعی در غیر قانونی و ساختارشکنانه جلوه دادن این اعتراضات دارند. تا معترضین را افرادی کاملاً غیر منطقی و قانون گریز نشان دهند که فقط با اعمال خشونت آمیز سعی در رسیدن به اهداف شخصی خود دارند. اولاً باید دید دقیقاً چه اشکالاتی در نظام حقوقی و قوانین و دستگاه قضایی وجود دارد که موجب چنین تهدیداتی برای حق اعتراض شده است و سپس آن که حقوق و نظام حقوقی در این زمینه چگونه می تواند از این چالش ها جلوگیری نماید و میان اعتراض قانونی و غیر قانونی ایجاد تفکیک نماید و چه راهکارهایی را برای پیشگیری از رسیدن به چنین موقعیت هایی پیشنهاد می کند. محقق معتقد است علی رغم وجود قوانین متعدد در زمینه حق اعتراض و تجمع اعتراضی، چالش های متعددی مانند وجود ابهام در قوانین، نگاه انگیزه محور به متهمان، وجود صلاحیت های قضایی خاص و... وجود دارد و در ادامه راهکارهایی را جهت رفع این چالش ها ارائه می نماید. نویسنده داده های تحقیق حاضر را به طور توصیفی-تحلیلی جمع آوری کرده و با روش کیفی به تحلیل آنها می پردازد.

این مقاله در بخش اول به "حق اعتراض در آیین قانون جمهوری اسلامی ایران" می پردازد تا وضعیت موجود قوانین را در حوزه حق اعتراض و تجمعات اعتراضی و محدودیت های قانونی آن بررسی نماید و سپس با توجه به متون قانونی در این زمینه چالش های موجود در قوانین با عنوان "چالش قانونی" و چالش های مربوط به مرحله اجرای قانون در قوه قضائیه را به عنوان "چالش قضایی" مورد بحث و بررسی قرار می دهد در نهایت در بخش سوم به "راهکارها" می پردازد و این راهکارها را در پنج فصل "ایجاد صراحت و شفافیت و دقت در قوانین"، "تغییر در صلاحیت"، "حذف معیار های ذهنی"، "تدوین منظومه های فکری" و "در نظر گرفتن مکان های مشخصی برای تجمعات اعتراضی" ارائه مینماید. مقالات متعددی در زمینه اعتراض و تجمع اعتراضی نگارش یافته است که بیشتر آنان این مسئله را به جهت دینی و با بررسی در آیات و روایات مطرح کرده اند.^۲ اما در

^۲ براتلو، فاطمه، ۱۳۸۹، راهبردهای نظارت همگانی در مدیریت سیاسی جامعه دین بنیان، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۱، دوره ۱

رفیعی موحد، مهدی، ۱۳۹۸، بررسی تفسیری بایستگی انتقاد در صحنه های اجتماعی از منظر قرآن با تاکید بر آیه مجادله، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۴۰

شعبان پور، محمد، ۱۳۹۳، اصول و روش های نقد از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه سراج منیر، شماره ۱۴

صرفی، زهرا، پورکاوپان، زینب، ۱۳۹۹، تحلیل مضمون شیوه برخورد با لغزش کارگزار در نهج البلاغه، نشریه حدیث و اندیشه، شماره ۳۰

این نوشتار سعی شده است تمام قوانین لازم الاجرا در این حوزه با نگاهی به مبانی دینی مورد بررسی قرار گیرد و از جهت حقوقی به محک نقد درآید.

۱. مفهوم شناسی

اعتراض در لغت به معنای نکته گیری نمودن، تعرض کردن، واخواست و مترادف انتقاد، ایراد، بازخواست، تعرض، خرده گیری، مؤاخذه، نکته گیری، واخواهی آمده است.^۳

در اصطلاح تجمع اعتراضی نوعی بیان است در جهت ابراز ناخشنودی نسبت به یک مسئله. بنابراین اعتراض برگرفته از حق آزادی بیان است.

۲. بخش اول: حق اعتراض در آئینه قوانین

حق اعتراض و برگزاری تجمعات اعتراضی به اشکال گوناگون در قوانین به رسمیت شناخته شده است. به ترتیب تاریخ به ذکر برخی از مهم ترین قوانین می پردازیم.

۴ ماده ۲۱ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی (مطابق با ۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد که کشور ما در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ به آن پیوست، مقرر می دارد:

((حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته می شود اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.))

در قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، به عنوان مهم ترین سند قانونی کشور، چند اصل بطور مستقیم و غیر مستقیم مرتبط با بحث حاضر هستند.

از آنجایی که تجمع اعتراض گونه ای از نهاد شرعی امر به معروف و نهی از منکر است که در روایات از آن به عنوان "نصیحه ائمه المسلمین" یاد شده است، مرتبط با اصل هشتم قانون اساسی است که مقرر می دارد: ((در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر"))

محمدی، عبدالعلی، ۱۳۸۷، نقد پذیری حکومت و انتقاد ورزی جامعه در نگرش دینی، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۴۲

۳ (https://lamtakam.com/dictionaries/moen/1830/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%B6) تاریخ ملاحظه : ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

مهم ترین اصل مربوط به بحث که بطور مستقیم و صریح در این باره صحبت کرده است، اصل بیست و هفتم است: ((تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.))

در مرتبه اول در این اصل، عبارات "با اعلام قبلی در خیابان ها، میدان ها و مراکز عمومی" و "دولت باید...از درگیری های خشونت بار جلوگیری نماید" آمده بود که همه ی این عبارات در مذاکرات پُر چالش و طولانی میان نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی حذف شد و اصل حاضر در نهایت به تصویب رسید؛ امری که خود بیانگر قصد اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بر پیشگیری از سوءاستفاده از الفاظ مختلف جهت محدود ساختن اجتماعات اعتراضی می باشد. (بی نا: ۱۳۶۰، صص ۷۱۰_۷۲۱)

یکی از قوانینی که ممکن است جهت محکومیت معترضان به آن استناد شود، قانون جرم سیاسی است. بر طبق اصل صد و شصت و هشتم قانون اساسی، تعریف جرم سیاسی بر عهده قانونگذار است.

با تصویب قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ نظام حقوقی کشور گامی در جهت حمایت از حقوق افرادی که به قصد اصلاح امور کشور اما با اعمال غیر قانونی دست به اعتراض و ارتکاب جرم می زنند برداشت. این قانون بیان می دارد: ((ماده ۱: هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می شود.

ماده ۲: جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان

ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ- جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت- جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث- نشر اکاذیب

ماده ۳: مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی شود:

...

ح - جاسوسی و افشای اسرار

خ - تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری))

سیاسی دانستن مجرم، اعمال نوعی تبعیض مثبت است؛ چرا که مجرم سیاسی نسبت به سایر مجرمین از امتیازاتی برخوردار است.

اندکی پس از تصویب قانون جرم سیاسی، قانون نحوه فعالیت احزاب و گروههای سیاسی در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۶ به تصویب رسید.

این قانون اعلام می دارد: ((ماده ۱۱: وظایف و اختیارات کمیسیون احزاب مطابق مفاد این قانون به شرح زیر است:

...

۶- بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص درخواست برگزاری تجمعات و راهپیمایی ها

ماده ۱۳: احزاب دارای پروانه فعالیت در چهار چوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و برابر مفاد این قانون از حقوق و امتیازات زیر برخوردارند:

الف- فعالیت سیاسی

ب- انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جهت اجرای اصل هشتم (۸) قانون اساسی در چهار چوب قوانین و مقررات

پ- اظهار نظر آزاد و علنی در مسائل کشور در راستای وظایف قانونی احزاب

خ - برگزاری راهپیمایی ها و تشکیل اجتماعات حسب مورد با اطلاع و صدور مجوز وزارت کشور و استانداری با رعایت بند (۶) ماده (۱۱) این قانون و اصل بیست و هفتم (۲۷) قانون اساسی

ماده ۱۸: احزاب و جبهه ها و ائتلاف های موضوع این قانون در انجام فعالیت های خود در چهارچوب قوانین و مقررات آزادند و در صورت ارتکاب اعمال زیر پس از تشخیص توسط مراجع ذی صلاح، حسب مورد علاوه بر مجازات های قانونی، طبق ماده (۱۹) این قانون با آنها برخورد می شود:

الف - نقض مبانی دین مبین اسلام و تبلیغ و فعالیت علیه موازین اسلامی

ب- اقدام علیه امنیت ملی و وحدت ملی از جمله هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات و تبانی با سفارتخانه ها، نمایندگی ها، ارگان های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که مخل آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی، منافع ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران و نظم عمومی باشد و نیز هرگونه اقدام به عملیات خرابکارانه و براندازانه و حمایت از گروه های تروریستی، دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و دولت های بیگانه و سازمان

های بین المللی و تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در کشور ایران و نیز دعوت به انجام اقدامات مذکور یا حضور در راهپیمایی های غیرقانونی

پ - اعمال خلاف قانون اساسی و نقض حقوق ملت از جمله ایراد تهمت، افتراء شایعه پراکنی، آموزش و ترویج خشونت))

۳. بخش دوم: چالش ها

همچنانکه مشاهده می شود، در قوانین متعدد بحث اعتراض و اجتماعات اعتراضی از زاویه های مختلف مد نظر قانونگذار قرار گرفت و قانونگذار در عبارات مختلف و البته قابل تفسیری، در این مورد اظهار نظر کرد. اما در ورطه اجرا و در برخورد قضایی با معترضان، راه برای اعمال نظرات متضاد توسط ضابطین و مقامات قضایی باز است و گاه مشاهده می شود، جای معترض و مجرم عوض شده و افراد به اتهام ارتکاب جرایم علیه نظام راهی دادگاه می شوند. در این بخش می خواهیم به چالش هایی که در این حوزه قرار دارد بپردازیم. این چالش ها رو در دو مرحله بررسی میکنیم. چالش هایی که مربوط به قانون نویسی و در مرحله ی انشاء است و چالش هایی که مربوط به اجرای قانون و در مرحله ی امثال است.

7

۱.۳. فصل اول: چالش های قانونی

۱. عبارت "مخل به مبانی اسلام" که در اصل بیست و هفتم قانون اساسی آمده، به جهت حقوقی و ادبی، یک عبارت کلی، مبهم و بسیار تفسیرپذیر است. اقداماتی در جهت رفع ابهام از این عبارت صورت گرفت که در نهایت بی نتیجه ماند. از جمله در سال ۱۳۷۷ وزیر کشور وقت، از شورای نگهبان در مورد معنی دقیق این عبارت در اصل بیست و هفت استفسار کرد که دبیر شورای نگهبان به علت اینکه این شورا بر اساس آیین نامه ی داخلی، الزامی به پاسخ به استفساریه ی وزیر دولت ندارد، از دادن پاسخ امتناع کرد. (فتحی و کوهی: ۱۴۰۰، ص ۱۲۵)^۴

^۴ در پاسخ به استفساریه وزیر کشور

شماره: 3010/21/77

تاریخ: 10/4/77

بسمه تعالی

وزارت محترم کشور

با سلام - عطف به نامه شماره 1/6/399 مورخ 7/2/1377 بر حسب آیین نامه داخلی شورای نگهبان، شورا در برابر سؤالاتی که در مورد تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی و یا موافقت بعضی مقررات با ضوابط شرعی میشود در صورتی ملزم به جواب است که سؤال کننده هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی یا رئیس قوه قضائیه یا هیئت دولت و یا رئیس جمهور باشد.

علاوه بر این در سال ۱۳۸۰، شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای تحت عنوان سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را به تصویب رساند که در آن اقدام به تفسیر عنوان "مبانی اسلام" و "اخلال در مبانی اسلام" کرد. در سال ۱۳۸۱ این مصوبه هم به جهت اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی صلاحیت تفسیر قانون اساسی را ندارد، از طرف دیوان عدالت اداری ابطال شد.^۵

لازم بود یا نویسندگان قانون اساسی یا شورای نگهبان به عنوان مفسر این قانون، بدون نیاز به استفساریه و با توجه به ضرورت امر، این عبارت را روشن می نمودند تا هر کس بر اساس نظر خود راجع به "مبانی اسلام" و نحوه "اخلال در مبانی اسلام" جلوی اعتراضات قانونی مردم را به استناد قانون اساسی نگیرد.

۲. ماده ۱ قانون جرم سیاسی مقرر میدارد: ((هر یک از جرائم مصرح در ماده ۲ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می شود.))

مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان پس از ارسال این مصوبه به شورای نگهبان، بیان داشت: ((در این ماده، عبارت «اصل نظام» ابهام دارد و معلوم نیست چه مصادیقی مشمول «ضربه زدن به اصل نظام» می شود تا از تعریف جرم سیاسی خارج شود. همچنین مصادیق عبارت «مدیریت و نهادهای سیاسی» مشخص نیست و در این ماده، این عبارت نیز ابهام دارد.))^۶

دبیر شورای نگهبان، احمد جنتی

^۵ رأی هیأت عمومی

الف) به شرح نظریه مورخ 21/3/1381 فقهاء محترم شورای نگهبان مفاد بندهای 2-5-3 و 5-5 از شق (و) مصوبه جلسات 478 و 480 مورخ 18/2/1380 و 12/4/1380 شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات از جهت این که مواردی از آن‌ها موجب تضعیف باورهای دینی و اضلال و گمراهی اشخاص می شود خلاف شرع شناخته شده است. بنابراین مستنداً به اصل 170 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قسمت اول ماده 25 قانون دیوان عدالت اداری بندهای مذکور ابطال می شود. ب) قانونگذار به موجب اصل 57 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تثبیت اصل تفکیک قوای عالیہ مقننه، مجریه و قضائیه و تأکید بر استقلال آن‌ها به شرح اصل 58 اعمال قوه مقننه را به مجلس شورای اسلامی محول کرده و در اصل 24 تعیین قلمرو آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب و موارد مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی را به وضع قانون موکول کرده است و همچنین مطابق اصل 61 مسئولیت امر قضا براساس شقوق مندرج در اصل 156 و تشخیص و احراز تحقق و اجتماع عناصر مادی و معنوی جرائم و عنداللزوم اعمال تخفیف یا عفو مجازات مرتکبین جرائم مطبوعاتی را به عهده قوه قضائیه محول کرده و به شرح اصل 98 نیز مسئولیت تفسیر اصل قانون اساسی را به شورای نگهبان تفویض کرده است. نظر به مراتب فوق الذکر و عنایت به مسئولیت‌های خاص شورای عالی انقلاب فرهنگی در باب وضع ضوابط و قواعد خاص به منظور تنظیم و تنسیق امور مربوط به دستگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و نحوه گزینش و امور انضباطی دانشجویان به شرح مصرح در فرمان مورخ 6/12/1363 حضرت امام خمینی رضوان... تعالی علیه مصوبه فوق الذکر شورای عالی انقلاب فرهنگی در سایر شقوق مورد اعتراض آن که متضمن تفسیر قانون و تعیین عناصر تشکیل دهنده بزه اخلال از طریق نشریات و مطبوعات و شرایط تخفیف یا عفو مجازات مرتکبین بزه مزبور و در نتیجه از مقوله ورود در قلمرو صلاحیت مراجع ذیصلاح فوق الذکر است، خارج از حدود اختیارات آن شورای عالی تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده 25 قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=259800>

دری نجف‌آباد

۳. ماده ۲ قانون جرم سیاسی مقرر می‌دارد: ((جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤلیت آنان))

مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان علت ذکر کردن فقط برخی مقامات خاص در این ماده را مبهم می‌داند و معتقد است توهین به همه ی مسئولین (نه فقط برخی مسئولان خاص) بواسطه ی مسؤلیتشان را باید جرم سیاسی تلقی کرد. امری که منطبق با فلسفه ی این قانونگذاری است.

در بند «الف» این ماده، دلیل ذکر برخی مقامات و ذکر نکردن مقامات دیگری که هم‌تراز، بالاتر یا پایین‌تر از مقامات مذکور در این بند هستند، مشخص نیست و این امر می‌تواند واجد ابهام باشد؛ به‌ویژه آنکه اولاً، در ماده (۱) «مدیریت و نهادهای سیاسی» را به‌طور مطلق آورده است و ثانیاً، اگر توهین یا افتراء به مقامات عمومی ذکر نشده، «به‌واسطه مسؤلیت آنان» باشد و با شروط و انگیزه‌های مذکور در ماده (۱) صورت گیرد، دلیلی برای «سیاسی»

تلقی نکردن این دسته از جرائم و احکام آن وجود نخواهد داشت.^۷

از طرف دیگر مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان در مورد همین ماده اظهار نظری کرده است که بسیار قابل توجه است: ((اطلاق جرم سیاسی دانستن مفاد بند «الف» از جهت شمول نسبت به فرضی که اصلاح امور نظام متوقف بر ارتکاب این امور

⁶ <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=r58jcbgu/EA=&TN=17tLyhyOobhXEiNsIbmkjnd5wklImN++/dN1yTO0k7/CIKLHNakY+A==&MN=csaqpt/F9Oo=&id=WMS8CIcmVI=&tablename02=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>

تاریخ : ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

⁷ <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=r58jcbgu/EA=&TN=17tLyhyOobhXEiNsIbmkjnd5wklImN++/dN1yTO0k7/CIKLHNakY+A==&MN=csaqpt/F9Oo=&id=WMS8CIcmVI=&tablename02=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>

تاریخ : ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

بوده و راه دیگری برای اصلاح امور کشور وجود نداشته باشد خلاف شرع و خلاف نظر حضرت امام خمینی «ره» در تحریرالوسیله (ج ۱، ص ۴۳۹، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، القول فی مراتب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، مسئله ۵) می باشد.^۸ به عبارت دیگر معتقد است در مواردی که تنها راه اصلاح امور نظام، ارتکاب اینگونه جرایم باشد، اصلاً نباید این افعال را جرم (اعم از عادی یا سیاسی) دانست و این حالت را ظاهراً از علل موجهه جرم دانسته است.

۲.۳. فصل دوم: چالش های قضایی

گاهی اوقات برخی از مقامات قضایی، تفسیر نامناسب و مخالف اصول حقوقی ای از مواد قانونی می کنند که با نظر قانونگذار اساسی و عادی مغایرت دارد.

یکی از موادی که در بسیاری از موارد نسبت به معترضان تجمعات اعمال می شود، مواد ۶۱۰ و ۶۱۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است که به ترتیب مقرر میدارند: ((هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.))

((هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.))

در نشست قضایی برگزار شده در تایباد خراسان رضوی، حقوقدانان ضمن تفکیک میان این مواد و قوانین مربوط به تجمعات اعتراضی بیان داشتند: ((صرف فراخوان و دعوت عموم به حضور در تجمع فاقد مجوز، اعم از آن که در فضای مجازی باشد یا غیر آن، جرم محسوب نمی شود؛ لیکن چنانچه فراخوان همراه با شرایط مندرج در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ (تبانی با دیگران برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی) باشد و یا مفاد فراخوان متضمن تحریک مردم به جنگ (ماده ۵۱۲ همان قانون) یا تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران باشد و تحت عنوان «فعالیت» موضوع ماده ۵۰۰ قانون پیش گفته قرار گیرد؛ و مانند آن، حسب مورد از این حیث می تواند قابل تعقیب کیفری و مجازات باشد. با توجه به اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین نظر بر این که طبق اصل بیست و هفتم قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح و به شرط آن که مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است و نبود نص قانونی بر جرم انگاری حضور در تجمعات فاقد مجوز، لذا صرف حضور در تجمعی که مجوز موضوع

⁸ <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=QHD9KPV35PY=&TN=17tLyhyOobhXEiNsIbmkjnd5wklImN++kRU AkzbVMY5wlowSa2sczg==&MN=csaqt/F9Oo=&id=WMS8C1cmVI=&tablename02=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>

بند 6 ماده 11 قانون فعالیت احزاب و گروه های سیاسی مصوب 1395 را اخذ نکرده است جرم نبوده و از این حیث قابل تعقیب و مجازات نیست.))

همچنین در نشست قضایی برگزار شده در کامیاران کردستان، اعضا اعلام داشتند محدود کردن تجمعات به اخذ مجوز خلاف اطلاق اصل بیست و هفتم قانون اساسی است و اخذ مجوز صرفا برای احزاب در نظر گرفته شده است نه آحاد مردم. البته اقلیتی هم رفتار ارتكابی را مشمول ماده 618 قانون مجازات اسلامی دانسته اند؛ چراکه معتقدند تجمعات و راه پیمایی ها باید با اخذ مجوز قانونی و در مکان های خاص و تعیین شده انجام پذیرد و در صورت تجمع در معابر عمومی با توجه به اینکه در کسب و کار و تردد مردم خلل وارد می نماید. امری که مستند به هیچ قانونی نیست و مخالف اصل نه و بیست و هفت قانون اساسی است.⁹

در این بین با قضاتی نیز مواجهیم که با توجه به شرایط کشور و مشکلات بوجود آمده برای مردم و درک وضعیت آنان و همچنین با استفاده از ظرفیت پویای اصل بیست و هفت، حکم به تبرئه ی اعتراض کنندگان می دهند. از جمله رئیس شعبه چهارم دادگاه عمومی بخش چهارباغ در ماجرای اعتراضات گران کردن بنزین در سال ۱۳۹۸ اینچنین اقدام به صدور حکم نمود : ((بدیهی است اخلال در نظم و آسایش و امنیت عمومی مردم نتیجه مستقیم بی تدبیری دولت در اجرای یک طرح غیرکارشناسی بوده و عرف جامعه ایرانی دولتمردان را مسئول اخلال به وجود آمده می داند، چرا که سبب اقوی از مباشر بوده

⁹ نظر اکثریت

یکی از حقوق مردم که طبق اصل 27 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احصا گردیده است حق آزادی مردم در تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها می باشد. طبق اصل و قانون اساسی «... هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب نماید.» بنابراین برای راه پیمایی ها و تجمعات نیازی به اخذ مجوز از هیچ ارگان و مقامی نمی باشد و وضع هر نوع قانون که منجر به محدود کردن حق احصا شده در اصل 27 قانون اساسی و محدود کردن تجمعات و راهپیمایی های به اخذ مجوز خلاف اصول قانون اساسی می باشد و قابل ترتیب اثر نمی باشد. هر چند که اخذ مجوز صرفا برای احزاب مورد قانون گذاری واقع شده است لذا تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها به هیچ عنوان جرم نمی باشد و مشمول ماده 618 قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم بخش تعزیرات مصوب 1375 نمی گردد؛ در هر صورت تشخیص موضوع با محکمه است.

نظر اقلیت

در فرض سوال رفتار ارتكابی مشمول ماده 618 قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم بخش تعزیرات مصوب 1375 می باشد چرا که تجمعات و راه پیمایی ها باید با اخذ مجوز قانونی و در مکان های خاص و تعیین شده انجام پذیرد و در صورت تجمع در معابر عمومی با توجه به اینکه در کسب و کار و تردد مردم خلل وارد می نماید لذا جرم و مشمول ماده 618 قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم بخش تعزیرات مصوب 1375 می باشد .

<https://www.neshast.org/Home/GetPublicjSessionTranscript/91021b0b-9656-4b0a-d390-08d7baa72ebd>

تاریخ ملاحظه : ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

اندا! (لذا) ارتکاب رفتار مورد تصریح قانونگذار از سوی متهمان منتفی است، چرا که اعتراض غیرمسلحانه به حکمرانی نامطلوب از مولفه های اساسی حدود آزادی مصرح در اصل بیست و هفتم قانون اساسی است و بدیهی است اخلاقی در مبانی اسلام نداشته است؛ چه اینکه چند تن از مراجع عظام تقلید در پیامی این اقدام دولت را ناپسند و بر خلاف مصلحت دانسته اند.))

قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰

ماده ۱: هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد...

اصل بر عدم مدخلیت "انگیزه" در اثبات جرایم است. اما در موارد استثنایی قانونگذار آنرا جزء ارکان روانی برخی جرایم ذکر نموده است. اما باید دانست یکی از چالش ها در این زمینه، احراز انگیزه که امری روانی و ذهنی است می باشد. اگر طبق ظاهر ماده اصل را بر عدم وجود انگیزه اصلاح امور بگذاریم و وجودش را نیازمند اثبات و احراز توسط متهم بدانیم، شاید تقریباً حکم به بی اثری این قانون داده باشیم؛ چراکه در بسیاری از موارد اعتراضات در شرایط خاص و بحرانی کشور انجام می گیرد و برخی قضات، برگزاری تجمع اعتراضی را در چنین شرایطی امری "به وضوح" خلاف مصالح کشور تشخیص می دهند که سبب دخالت بیگانگان در کشور می شود و بنا براین نمی توانند متهم را دارای انگیزه اصلاحی ببینند و امتیازات مجرم سیاسی را به آنان اعطا کنند. گفته می شود به علت وجود چنین شرطی در این قانون، از سال تصویب این قانون (۱۳۹۵) تا سال ۱۳۹۹ (چهار سال)، حتی یک دادگاه برای جرم سیاسی برگزار نشد.

۴. بخش سوم: راهکارها

۱.۴. فصل اول: ایجاد صراحت و شفافیت و دقت در قوانین

در قانون اساسی، همانطور که بیان شد، و در قانون مجازات اسلامی عبارات و موادی وجود دارد که به اصطلاح مانند "آچار فرانسه" عمل می کنند. به این معنا آنقدر کلی و مبهم بیان شده اند که قابلیت تفسیر پذیری بالایی دارند و در موارد مختلف می توان با استناد به این مواد حکم به مجرمیت متهم داد. ذیلاً به چند نمونه از این مواد از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ اشاره می کنیم.

ماده ۴۹۸: ((هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.))

ماده ۴۹۹: ((هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیتها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.))

ماده ۵۰۸: ((هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.))

ماده ۶۱۰: ((هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.))

ماده ۶۱۸: ((هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.))

با وجود چنین موادی، همواره نگرانی از مخدوش شدن حق اعتراض آحاد ملت وجود دارد. اولین قدم در مسیر صیانت از حق اعتراض، نوع نگارش مواد قانونی مربوط به جرایم نزدیک به اعتراض و تفکیک آن‌ها از یکدیگر است. قانونگذار می‌تواند به ذکر مثال‌هایی از جرایم حوزه ی اخلال نظم در این مواد قانونی راه را بر تفاسیر موسع از آنان ببندد.

۲.۴. فصل دوم: تغییر در صلاحیت

بسیاری از جرایم مربوط به حوزه ی نظم و امنیت، داخل در صلاحیت دادگاه های انقلاب است. دادگاهی با صلاحیت خاص که به جرایم سنگین می‌پردازد و با متهمان خاصی مواجه است که معمولاً منتهی به صدور احکام محکومیت شدیدی می‌گردد. با توجه به همین مسائل طبیعی است اگر نوع نگاه قضات دادگاه های عمومی به متهم متفاوت از قضات دادگاه های انقلاب باشد. بر همین اساس یکی از پیشنهادات در این حوزه برای رعایت تسامح و البته حق اساسی مردم، تغییر صلاحیت رسیدگی به این موضوعات از دادگاه های انقلاب به دادگاه های عمومی است. ضمناً جالب توجه است که در برخی کشورها از اعتراضات بطور کلی جرم زدایی کرده و صرفاً در دادگاه های حقوقی، از جهت خسارت به این اعتراضات رسیدگی می‌شود. (انصاری: ۱۳۹۳، ص ۴۱)

۳.۴. فصل سوم: حذف معیارهای ذهنی

یکی دیگر از راهکار های پیشنهادی جهت رفع چالش های مربوط به این حوزه، حذف معیارهای ذهنی مانند انگیزه جهت اثبات جرم (به خصوص جرم سیاسی) است تا افراد به راحتی مشمول امتیازات مجرم سیاسی گردند. گویندگان این نظر معتقدند

احراز انگیزه کار دشواری است و به همین خاطر سبب رفتار سلیقه ای دادگاه ها می شود. بنابراین جهت ایجاد عدالت و تسهیل برگزاری اجتماعات اعتراضی و نترسیدن از عواقب احتمالی آن، باید به صرف رفتار مادی اکتفا کنیم و در جستجوی اغراض ذهنی افراد نباشیم.

اما به نظر می رسد این پیشنهاد مغایر با مبانی دینی اسلام باشد. چرا که در نصوص دینی به انگیزه اهمیت زیادی داده شده و سبب تفکیک میان افراد دانسته شده است.

امیرالمومنین علی علیه الصلاه و السلام در خطبه ۶۰ نهج البلاغه فرمودند: ((پس از من خوارج را نکشید؛ چرا که کسیکه خواهان حق بوده اما در تشخیصش دچار خطا گردیده مانند کسی نیست که خواهان باطل بوده و به آن رسیده است.))

لَا تَقْتُلُوا الْخَوَارِجَ بَعْدِي فَلَيْسَ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ فَأَخْطَأَهُ كَمَنْ طَلَبَ الْبَاطِلَ فَأُدْرَكَهُ. یعنی معاویه و أصحابه

چنانکه میبینیم حضرت علیه السلام در این کلام نورانی افرادی را که مستقیماً علیه نظام اسلامی زمان ایشان دست به اسلحه بردند را به علت انگیزه ی قابل دفاع، ایمن از اعدام می کنند.

14

همچنین در رساله ی حقوق امام سجاد علیه الصلاه و السلام آمده: ((اما حق کسیکه که ترا نصیحت می کند آنست که در برابر او متواضع باشی و با شنیدن نصیحتهایش قلبت را سیراب کنی؛ و گوشت را در اختیار او قرار دهی تا هرچه میگوید متوجه شوی؛ بعد از شنیدن در گفتار او تفکر کن چنانچه نصایحش را درست و صواب دیدی بپذیر؛ و خداوند را به خاطر این نعمت شاکر باش؛ و چنانچه آنرا نا صواب یافتی؛ ضمن تشکر با مهربانی از کنارش بگذر و او را متهم نکن زیرا که میدانی او قصد نصیحت داشت نه چیز دیگر اما اشتباه کرده است؛ مگر اینکه او را از قبل می شناسی و میدانی که او آدم خیر خواهی نیست؛ در این صورت به نصیحت او اعتناء و اعتماد نکن.))

در این بیان نیز به قصد نصیحت کننده، که منظور همان انگیزه است، اشاره شده است و امام علیه السلام میان انسان خیرخواه و غیر آن تمییز قائل شده اند.

۴.۴. فصل چهارم: تدوین منظومه های فکری

عده ای در میان راهکارها تمرکزشان بر تبیین بنیان ها و اصول فکری و اعتقادی است. اینان معتقدند هر اندازه به تدقیق مواد قانونی بپردازیم، به طور لازم و کافی نمی تواند مانع از ارائه تفاسیر نامطلوب گردد و در نهایت این اصول فکری مجریان قانون و مقامات قضایی است که تصمیمات و احکام نهایی آنان را می سازد. این مهم در بیانات رهبر انقلاب هم در بیانات در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۳ مطرح شد. آنجا که فرمودند: ((در زمینه ی کار مربوط به آزادی، هیچ حرف نو، هیچ ایده ی نو، هیچ منظومه ی فکری نو - مثل منظومه های فکری که غربیها دارند - به وجود نیامد. خیلی از این صاحبان فکر در غرب، یک منظومه ی فکری در خصوص آزادی دارند. همین نقدهائی که بر لیبرالیسم قدیمی انجام گرفته و همچنین نقدهائی که بعداً بر نسخه های جدید لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی و آن چیزهائی که بعد از لیبرالیسم مثلاً قرن هفدهم یا

شانزدهم است، وارد آوردند، هر کدام برای خودش یک منظومه‌ی فکری است؛ اولی دارد، آخری دارد، پاسخ سؤالات فراوانی دارد. ما یک دانه از آنها را در کشورمان به وجود نیاوردیم؛ با اینکه منابع ما زیاد است، ما فقر منبعی نداریم - همین طور که دوستان اشاره کردند - یعنی واقعاً میتوانیم یک مجموعه‌ی فکری مدون، یک منظومه‌ی کامل فکری در مورد آزادی - که به همه‌ی سؤالات ریز و درشت آزادی پاسخ دهد - تأمین کنیم. البته این کار همت میخواهد؛ کار آسانی نیست. ما این کار را نکرده‌ایم. ما در عین حال که منابع داریم، اما همان منظومه‌های فکری آنها را آوردیم؛ امروز ما کمبود داریم، ما خلأهای زیادی داریم، شکافهای زیادی وجود دارد؛ و ضمن اینکه منابع داریم، منظومه‌ی فکری نداریم. ما باید برویم به سمت منظومه‌سازی؛ یعنی قطعات مختلف این پازل را در جای خود بنشانیم، یک ترسیم کامل درست کنیم؛ به این احتیاج داریم؛ کار جمعی است و تسلط لازم دارد؛ هم تسلط به منابع اسلامی، هم تسلط به منابع غربی.

در تدوین چنین منظومه‌ی ای به سؤالات متعددی پاسخ داده می‌شود؛ مغل به مبانی اسلام یعنی چه؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر تصادفی است و انفعالی یا غیر تصادفی است و فعال؟ اگر تصادفی است، می‌توان برای امری تصادفی و اجرای آن سازمان و نهادی برپا نمود؟ چه تفاوتی میان امر به معروف و تجسس وجود دارد؟ تفاوت مبنای اعتراض در اسلام و غرب چیست؟ آیا امر به معروف و اعتراض در اسلام همان سوت زنی غربی است؟ اگر نه چه تفاوتی میان آن‌ها وجود دارد؟ حدود اصل هشت قانون اساسی چیست؟ آیا میتوان بطور علنی و با ذکر نام به مسئولین اعتراض کرد و نقدشان نمود یا باید ابتدا بطور شخصی تذکر داده شود و سپس علنی نمود؟ آیا رعایت این ترتیب لازم است؟ ضمانت اجرای عدم رعایت این ترتیب چه باید باشد؟ ...

۵.۴. فصل پنجم: در نظر گرفتن مکان‌های مشخصی برای تجمعات اعتراضی

یکی از راه‌ها جهت اجتناب از برچسب زنی بر معترضان و تفکیک آنان از براندازان و برهم زندگان نظم و امنیت، اینست که مقرر شود اعتراض در مکان‌هایی به خصوص آزاد است و اگر در آن مکان اعتراض انجام گیرد، هیچ کس حق جلوگیری از آن را ندارد و حتی اگر جرمی هم مرتکب شوند، جرم سیاسی تلقی خواهد شد. این راه حل در سال ۱۳۹۷ به پیشنهاد وزارت کشور، در هیئت وزیران مطرح گشت و در نهایت به مصوبه‌ی ای ختم شد که مکان‌هایی را برای تجمعات اعتراضی در نظر می‌گرفت. از جمله:

الف - در تهران:

۱. ورزشگاه‌های دستجردی، تختی، معتمدی، آزادی و شهید شیرودی (با هماهنگی وزارت ورزش و جوانان)

۲. بوستان‌های گفتگو، طالقانی، ولایت، پردیسان، هنرمندان و شهر

۳. ضلع شمالی مجلس شورای اسلامی.

اما اندکی بعد مصوبه مذکور به علت مغایرت با اطلاق اصل بیست و هفت که تشکیل اجتماعات در هر مکانی تجویز می نمود، توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری یک سال پس از تصویب، ابطال گشت. در رای هیئت عمومی آمده: ((تصویب نامه مورد شکایت که محل های تجمع گروه های مختلف در تهران و شهرستانها به محل های مشخص محدود شده اولاً: با اصل ۲۷ قانون اساسی که تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها را از حیث محل های اجتماعات علی الاطلاق آزاد اعلام کرده مغایرت دارد. ثانیاً: با عنایت به ماده ۱۱ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی مصوب ۴/۱۱/۱۳۹۴ که وظایف و اختیارات کمیسیون احزاب موضوع ماده ۱۰ قانون مذکور را احصاء کرده و مطابق بند ۶ ماده ۱۱ قانون مرقوم بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص درخواست برگزاری تجمعات و راهپیمایی ها که مستلزم تعیین محل برگزاری آن نیز خواهد بود، یکی از وظایف و اختیارات کمیسیون مذکور می باشد، بنابراین مصوبه مورد اعتراض با قوانین مذکور مغایرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.))

همچنانکه در این رای و در قانون اساسی به درستی ذکر شده، نباید اعتراض را منحصر در مکان هایی خاص نمود. چرا که ممکن است این مکان ها با فاصله ی زیادی از اماکن دولتی باشند و صدای معترضان به گوش مسئولین مربوطه نرسد. ممکن است این مکان ها به اندازه ی کافی بزرگ نباشند و حتی شاید افرادی عامدانه مکان های کوچکی را برای اعتراض در نظر گیرند. ضمن اینکه ایمن گذاشتن معترضان در این مکان های ویژه خود می تواند سبب سوءاستفاده از قانون شود و به تدریج این اماکن از مکان های اعتراض تبدیل به مکان های درگیری و زد و خورد شوند و در حقیقت مقررات مربوط به اعتراض مانند عدم حمل سلاح و عدم اختلال در مبانی اسلام در همه ی مکان ها باید رعایت گردد و این راهکار، تفاوت عملی مفیدی ایجاد نخواهد کرد.

نتیجه و پیشنهاد

حق بر برگزاری تجمع اعتراضی در قانون اساسی و قوانین عادی مورد بررسی قرار گرفت. این حق در اصل بیست و هفتم قانون اساسی ذکر شده است و به تبع آن در قوانین عادی نیز مورد حمایت واقع شده است. اما برای اعمال کامل و صحیح این حق، چالش ها و موانعی وجود دارد. این چالش ها هم در حوزه ی تقنین هم در حوزه ی اجرا وجود دارند. برای رفع این چالش ها پیشنهاد به انجام چند اقدام شد:

۱. تدقیق قوانین

۲. اعطای صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به این حوزه به دادگاه های عمومی

۳. تدوین منظومه های فکری در پاسخ به شبهات این حوزه از سوی مراجع بالادستی

فهرست منابع

کتاب ها:

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. رساله حقوق امام سجاد علیه الصلاه و السلام
4. بی نا، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد اول جلسه اول تا سی و یکم، آذر ۱۳۶۰، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول
5. فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، ۱۴۰۰، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و... شورای نگهبان، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
6. مندنی، اسلام، ۱۳۹۴، سیاست جنایی امنیت مدار و نظام کیفری حقوق بشر، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول

مقاله ها:

7. انصاری، باقر، ۱۳۹۳، موازین حقوقی ناظر بر انتقاد از دولت و مقامات دولتی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۳
8. براتلو، فاطمه، ۱۳۸۹، راهبردهای نظارت همگانی در مدیریت سیاسی جامعه دین بنیان، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۱، دوره ۱
9. برهانی، محسن، ۱۳۹۴، افساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳
10. رفیعی موحد، مهدی، ۱۳۹۸، بررسی تفسیری بایستگی انتقاد در صحنه های اجتماعی از منظر قرآن با تاکید بر آیه مجادله، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۴۰
11. شعبان پور، محمد، ۱۳۹۳، اصول و روش های نقد از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه سراج منیر، شماره ۱۴
12. صرفی، زهرا، پورکاویان، زینب، ۱۳۹۹، تحلیل مضمون شیوه برخورد با لغزش کارگزار در نهج البلاغه، نشریه حدیث و اندیشه، شماره ۳۰
13. محمدی، عبدالعلی، ۱۳۸۷، نقد پذیری حکومت و انتقاد ورزی جامعه در نگرش دینی، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۴۲
14. ویتال، الکس، ۱۳۹۱، نظارت پلیس بر اشغال وال استریت؛ تضاد میان ترمرد و نظم، نشریه مطالعات جهان، شماره ۱، دوره ۱

سایت ها:

15. تارنمای شبکه چهار

<https://tv4.ir>

16. پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور

<http://www.dastour.ir>

17. سامانه جامع نظرات شورای نگهبان

18. سامانه فرهنگ لغت لام تا کام <http://nazarat.shora-rc.ir>

19. سامانه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی <https://lamtakam.com>

<https://rc.majlis.ir>

20. سامانه ملی آراء قضایی

<http://www.ara.jri.ac.ir>

21. سامانه نشست های قضایی

<https://www.neshast.org>

18

سخنرانی:

22. برهانی، محسن و طلابکی، اکبر، ۱۴۰۰، مسئله اعتراضات درون ساختاری در ایران، سخنرانی ارائه شده در برنامه زاویه از شبکه چهار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

Abstract

One of the most important necessities of any political system is its security. In the shadow of security that a country can be in different political, economic, scientific, cultural and ... grow slowly. Even in minimal approaches to governments (the gendarme government), securing is one of their basic duties. The right to individual and social security is considered in Articles 3 and 22 of the Universal Declaration of Human Rights, respectively, as a document adopted by the absolute majority of countries around the world. This term is one of the most widely used interpretations in criminal law, and many behaviors are criminalized for impairing security, and after criminalization, court judges consider the defendants' behavior as an example of harm to security, in accordance with legal provisions, and sentence them to punishment.

19

One of the most important measures of governments to maintain security and prevent its disruption is criminalization of activities that disrupt the security of the country, which in our legal system is known as "crimes against internal and external security". In various laws, including the Islamic Penal Code, there are a variety of crimes against security. . Forming or membership in the disturbing categories of security of the country, propaganda against the Islamic Republic of Iran, espionage, mapping and taking video or photographing military fortifications or prohibited places, providing classified information with the aim of disrupting security, discharging information from security and intelligence officials, effectively inciting combatants to dissipate, fleeing or not carrying out military duties, and having any cooperation with foreign governments against the Islamic Republic of Iran Hiding spies, inciting people to fight and kill each other, and other crimes that in their sense harm the country's security in economic, political, security or cultural dimensions, which are not limited to chapter one of the Ta'zir Law.

On the other hand, the right to protest is recognized in international documents as well as Article 27 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and in ordinary laws for people. Articles 18-21 of the Declaration of Human Rights address political, public and psychological freedoms, including freedom of thought, opinion, religion, conscience, speech and freedom of association. Article 20 of the Universal Declaration of Human Rights states: (Everyone has the right to freely form peaceful assemblies and assemblies). Also, article 21 of the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) recognizes the right to peaceful

assemblies and establishes the principle of prohibiting any restrictions in this regard. In fact, after passing through the era of authoritarian and hereditary governments and reaching the governments of the Republic and democracy, and direct and effective intervention of the people in ruling decisions, the right to protest and the formation of protest gatherings began more than ever. In history, popular protests and protest marches coincide with the era of people's rule. In the history of our country, the popular protests are the manifestations of the Constitutional Movement, which is the beginning of the formation of the Constitutional Assembly and the wave of republicanism. Given this, and since the rulers are not fundamentally flawless, it can be said that popular protest is an integral part of the republic's and democracy's systems. The anticipation of popular protests in the constitutions and ordinary laws of different countries also confirms this.

On the other hand, in many cases, especially in security-oriented and risk-taking legal systems, one of the issues that can be considered as a disruptive factor in security is the field protests that occur for various economic, political, social or cultural reasons. Undoubtedly, the concept of security is one of the vague and interpretable concepts of our legal system, and if a specific definition is not provided, it can cause discrimination in the courts' procedures. Furthermore, if the concept of security is not recognized by all its dimensions, the attention of the justices may focus solely on a particular dimension of security, ignoring other important aspects of security, including psychological, social and political security, and preventing the formation of legal objections, which leads to a deep and undesirable gap between the people and a political system.

In our country, after the formation of the Popular Revolution in 1978, which was itself a very prominent example of the people's serious objection to the regime and its conduct and policies, we are witnessing various popular protests for various political, economic, social and cultural reasons and motives. This is especially important in recent years than in the past and this indicates the importance of paying attention to this issue. The protests known as the University of Tehran Dormitory in 1999, the 2009 protests against the outcome of the presidential election, the November 2019 protests related to the price of gasoline, the protests of social security retirees in 1400, the protests in 1401 on the Ershad Patrol are examples of these protests.

At the beginning of this law, the authors of the Constitution of the Islamic Republic of Iran consider the beginning of this law as the manifestation of the movement and the Islamic Revolution as Imam Khomeini's crushing "protest" against the American conspiracy of the White Revolution, and the term has been used in the Constitution of the Islamic Republic of Iran with a positive meaning. The right to protest is also recognized in ordinary laws. In many cases, however, protest is seen and condemned as a disruptive factor in the country's security. A duality that is sometimes solved by interpreting in favor of the accused and sometimes by interpreting in favor of the interests and security of the country. The question that arises is

what solutions are available to keep protesters safe from the label of guilt and to have the intention to confront the system and disrupt security. There are several solutions to fix this issue.

Including transparency in legal texts, changes in the jurisdictions of courts investigating these crimes, elimination of subjective standards, etc. The researcher collects the research data descriptively-analytically with an interstate (applied-fundamental) purpose and analyzes them qualitatively. This paper is arranged in three main sections of the right to protest in the mirror of the laws of the Islamic Republic of Iran, challenges and solutions, respectively.

Main words: Protest, Assembly, Order, Security, Peaceful